

پیشمرگه‌کان: ئەم هه‌وآله‌ی خواره‌وه له مآڵپه‌ری کونسولخانه‌ی ئێران له سوله‌یمانیه بـلاو کرایه‌وه که حکومه‌تی هه‌رێم داوای رونکردنه‌وه‌ی له رێژیم کرد و ئەم شیوه نووسینه‌ش که‌وته به‌ر ره‌خنه‌ی به‌شیک له نووسه‌رانی کورد.

2014-05-13



روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران با اقلیم کردستان عراق

بسمه تعالی

نگاهی به مناسبات ایران با حکومت محلی اقلیم کردستان عراق

کردها، مادها را نیاکان خود می‌دانند و مادها نخستین سلسله پادشاهی ایرانی بودند که از سال 660 تا 550 پیش از میلاد بر ایران حکومت کردند. واژه ایران نیز به معنی سرزمین آریاییان است و برپایه واقعیات تاریخی، کردها از جمله اقوام آریایی و ایرانی هستند و رخدادهای تاریخی که باعث جدایی بخش‌های زیادی از سرزمین‌های امپراتوری ایران شد سرزمین‌های کردنشین را نیز در بر گرفت؛ هرچند پس از روی کار آمدن صفویان در ایران و گسترش بیشتر مذهب تشیع توسط شاه اسماعیل صفوی، قسمت‌هایی از کردستان سنی نشین به خلیفه عثمانی گرایش یافت ولی یکی از نتایج جنگ ۱۵۱۴ م. چالدران میان سپاه صفوی و عثمانیان باعث جدایی بخش بزرگی از کردستان از ایران - سرزمین مادری اش- شد. رویدادهای پس از جنگ جهانی اول و برنامه تجزیه امپراتوری عثمانی و تاسیس کشورهای زیر سرپرستی انگلستان و فرانسه، برای کردهای خارج از مرزهای ایران چندان خوشایند نبود، چرا که غربی‌ها بر خلاف وعده‌هایی که هنگام انعقاد «پیمان سور» [1] برای تاسیس کشوری بنام کردستان داده بودند کردها را در میان سه کشور نوظهور عراق، ترکیه و سوریه تقسیم کردند. در این پیمان ایجاد کشور مستقل ارمنستان و کردستان و کشورهای عرب مستقل مجاز شمرده شده و تشکیل کشور عراق و سوریه پیش بینی شده بود ولی این وعده‌ها هرگز اجرا نشد اما بسیاری از کردهای ترکیه و عراق، هنوز هم پیمان سور را مظهر حقوق مشروع خود در زمینه خودگردانی می‌دانند. بدین ترتیب کردها تبدیل به اقلیت نژادی در سه کشور نوظهور مذکور شدند. کشورهایایی که فاصله بسیاری با معیارهای مردمسالاری داشتند و این مسئله در پایداری شدن آرزوهای این قوم آریایی تأثیر فراوانی داشت.

. *ایران و کردهای عراق در دوره پهلوی

جغرافیای نوین کردستان عراق با طراحی انگلیسی -فرانسوی، موقعیتی مرکزی در میان دیگر سرزمین‌های کردنشین یافت. کردهای شمال عراق از همان آغاز تاسیس عراق در دهه ۱۹۲۰ دست به شورش زدند هرچند دامنه این شورش و نقش آفرینی‌های آن چندان گسترده نبود. دهه ۱۹۵۰ میلادی برای کردستان عراق آغازگر دور جدیدی از شورش مسلحانه علیه حکومت پادشاهی عراق بود. کودتای ۱۹۵۸ ژنرال عبدالکریم قاسم باعث برون رفت عراق از بلوک غرب

و در نتیجه پایان روابط دوستانه با ایران شاهنشاهی شد. از این زمان ایران و عراق دو همسایه وابسته به دو بلوک سیاسی رقیب در عصر جنگ سرد شدند. فضای پرتنش ایجاد شده باعث شد تا «ملامصطفی بارزانی» رهبر جدید جنبش کردهای عراق از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۵ پنج جنگ بزرگ را برضد حاکمان نظامی عراق رهبری کند.

گردهای عراق از آغاز دهه ۱۹۷۰ با چراغ سبز آمریکا، از پشتیبانی مالی و نظامی شاه ایران بهره مند شدند. حمایتی که در برهه هایی از زمان، دولت عراق را در تنگنای زیادی نهاد به گونه ای که در سال ۱۹۷۲ طرح خودمختاری کردستان از سوی حزب بعث عراق پذیرفته شد ولی این طرح چون شهر کرکوک را دربرنمی گرفت از سوی کردها پذیرفته نشد در نتیجه جبهه شمال همچنان پابرجا باقی ماند. در این دوره محمدرضا پهلوی بارها با عنوان لزوم حمایت از برادران آریایی خود در عراق، افکار عمومی ایرانیان را نیز درباره سرنوشت گردهای عراق حساس کرد ولی پشتیبانی شاه ایران و آمریکا از گردها نه یک حمایت راهبردی و نژادی بلکه اقدامی کوتاه مدت در چارچوب منافع ملی ایران بود که در نتیجه بعد از میانجیگری «هواری بومدین» رئیس جمهور وقت الجزایر در حاشیه اجلاس سران اوپک در الجزیره، شاه ایران با صدام حسین، معاون وقت رئیس جمهور عراق بر سر پایان دادن به مناقشات میان خود به توافق رسیدند. این توافق زمینه ساز امضای معاهده الجزایر در بغداد در ۱۹۷۵ شد. بر پایه این پیمان، عراق نظر ایرانیان درباره پایه قرارداد خط تالوگ [2] برای تعیین مرز در «اروندرو» را پذیرفتند و در عوض ایران نیز دست از پشتیبانی خویش از جنبش گردهای عراق کشید.

در نتیجه این پیمان، پشتیبانی ایران از کردها در برهه مذکور پایان یافت و رهبران حزب دموکرات کردستان، ادامه مبارزه را بدون پشتیبانی خارجی بی نتیجه یافتند و در پی آن، فریاد کردستان عراق به خاموشی گرائید. البته برپایه پیمان الجزایر، رهبران و پیشمرگان کرد می‌توانستند ناگزیر به ایران مهاجرت کنند. قرارداد الجزایر همچنین زمینه ساز بروز پراکندگی میان گردها شد لذا گروهی به رهبری جلال طالبانی با انتقاد از عملکرد ملامصطفی بارزانی، [3] از جنبش وی خارج و حزب اتحادیه میهنی کردستان را بنیاد نهادند. حزبی که سپس رقیب جدی حزب دموکرات کردستان عراق گردید.

. *انقلاب اسلامی ایران و گردهای عراق

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و خروج ایران از همپیمانی با بلوک غرب، فرصتی برای جنبش خاموش شده گردهای عراق بوجود آورد. برخی شواهد و استنادات نشان می‌دهد احزاب کرد بویژه حزب دموکرات کردستان عراق از آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه کردستان ایران دست به تحرکاتی در حمایت از انقلاب زدند و با توجه به ناآرامی هایی که در اوایل انقلاب در غرب ایران رخ می‌داد خود را یکبار دیگر سازماندهی کردند. در همین دوره جلال طالبانی دیدارهایی با امام خمینی و دیگر رهبران ایرانی انجام داد. روابط خوب ایران با گردهای عراق به گونه ای پیش رفت که حتی پس از درگذشت «ملامصطفی بارزانی» با همکاری مسئولین ایرانی، جسد وی به امانت در ایران به خاک سپرده شود. رهبر کردی که بارها گفته بود: در ایران احساس غربت نمی‌کنم چرا که ایران وطن گردها است. ولی این احساس هم‌نژادی باعث پوشاندن ناراحتی رهبر فقید حزب دموکرات کردستان عراق از اقدام شاه ایران در حین امضای قرارداد الجزایر نبود. کاری که گردهای عراقی آن را خیانت محمدرضا پهلوی به خودشان پنداشتند.

. *جنگ ایران و عراق و گردهای عراقی

گردهای عراقی که پس از انقلاب اسلامی در ایران دست به جنب و جوش زده بودند با آغاز جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸، فرصتی گرانبها بدست آوردند تا به بازسازی جنبش ملی گرایانه خود در عراق بپردازند. دو حزب عمده گرد عراقی در سالهای آغازین دهه ۱۹۸۰ در کنار مبارزه با رژیم بعث، همچنان به رقابت با یکدیگر دست می‌زدند. از سوی دیگر در سالهای میانی جنگ عراق بر ضد ایران که مواضع طرفین در جبهه اصلی آن یعنی در جنوب دچار یکنواختی شده بود، اتحاد احزاب رقیب گرد که گاهی درگیریهای کوچک مسلحانه نیز با یکدیگر پیدا کرده بودند با سایر گروهها و احزاب مخالف حزب بعث عراق مانند مجلس اعلای انقلاب اسلامی، حزب الدعوة و سپاه بدر، جبهه جدیدی علیه نیروهای بعثی در شمال عراق گشودند. این اتحاد مخالفین عراقی با محوریت گردها، پیروزیهای پی در پی آنان در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ را به همراه داشت. مسئله‌ای که بر بعثی‌ها بسی گران آمد و آنها را به انجام اقدامات غیربشری همچون کشتار گردهای عراق موسوم به عملیات انفال و بمباران شیمیایی حلبچه واداشت.[4]

هرچند عملیات پی در پی ارتش بعث برضد گردها که به انفال موسوم است (۱۹۸۷ تا ۱۹۸۹) منجر به کشته شدن ۱۸۲ هزار گرد عراقی، ویرانی ۴۸۰۰ دهکده گردنشین و گسترش طرح عربی سازی (تعریب) شهرهایی همچون کرکوک و موصل شد و از این لحاظ گردها تاوان سنگینی پرداختند ولی این جنگ در کنار تهدیدات، فرصتی بی بدیل برای بازسازی جنبش خاموش گردها در سایه پشتیبانی ایران و در مقیاسی کوچکتر سوریه بود. در این دوره روابط حزب دموکرات کردستان عراق در بالاترین سطح خود با ایران بود.

. *ایران و تحولات ۱۹۹۱ در شمال عراق

یورش ارتش صدام حسین در سال ۱۹۹۰ به کویت و الحاق یک روزه این کشور به عراق به عنوان یکی از استانهای خود، باعث واکنش شدید جامعه جهانی به رهبری آمریکا شد. بی توجهی عراقی‌ها به قطعنامه های شورای امنیت مبنی بر رهاسازی کویت، باعث صف آرایی نیروهای ائتلاف جهانی در برابر ارتش عراق شد.[5] رویارویی که در فاصله کوتاهی به شکست ارتش عراق انجامید. این یک فرصت تاریخی برای گردها و شیعیان شد و آنها همزمان قیامهایی را در شمال (شهر رانیه) و جنوب بر علیه دولت مرکزی عراق انجام دادند ولی این قیامها با هجوم گسترده ارتش عراق سرکوب شد. شدت عمل عراقی‌ها که در این زمان به دلیل حمله به کویت در تیررس انتقادات جهانی قرار داشتند باعث شد تا شورای امنیت به طرح «جان میجر» انگلیسی برای تشکیل مناطق امن پروازی در شمال و جنوب رای دهد. با وضع ممنوعیت پرواز هواپیماهای عراقی در بالای خط ۳۶ درجه در سال ۱۹۹۱، گردهای عراق عملاً توانستند اقدام به تاسیس منطقه خودگردان کنند. ارتش شکست خورده عراق دیگر توان برخورد با قطعنامه جدید را نداشت در نتیجه بخشهایی از شمال و جنوب عراق در عمل از حیطه اختیار نیروهای امنیتی عراق خارج شد.

از سال 1991 به بعد ساختار حکومتی جدیدی در شمال عراق پدیدار شده است. با پایان یافتن درگیریهای سیاسی و نظامی بین دو حزب بزرگ منطقه در سال 1998 و همکاری هر دو طرف از سال 2002 به بعد، تغییرات مهمی در ساختار سیاسی منطقه آغاز شده است گرچه اوضاع کنونی شمال عراق و دلایل آن را باید در تحولات منطقه پس از اشغال عراق جستجو کرد. پیمان همکاری راهبردی بسته شده میان این دو حزب یکی از مهمترین عوامل ثبات سیاسی پس از اشغال عراق از سوی امریکاییان است.

. *ایران و تحولات ۲۰۰۳ در عراق و کردستان

سال ۲۰۰۲ و یورش آمریکا به نیروهای صدام، برای عراق بویژه گُردها یک نقطه عطف تاریخی است. از این زمان نظامی مردمسالار و فدرالی بر اساس توافقات پیش و پس از فروپاشی رژیم بعث، میان گروه‌های مبارز عراقی در این کشور برپا گردید. نظام جدید و نیز نابسامانی‌های آغازین سال‌های دولت مرکزی جدید عراق به گُردها این امکان را داد تا از یک سو به تقویت موضع خود در منطقه اقلیم کردستان بپردازند و از سوی دیگر به همراه شیعیان در راس هرم قدرت در عراق جدید قرار گیرند.

در این دوره، جمهوری اسلامی ایران که سیاست راهبردی در قبال عراق از آغاز دهه ۱۹۹۰ تاکنون استقرار صلح و امنیت و حفظ تمامیت ارضی عراق بوده‌است بطور طبیعی یکی از صمیمی‌ترین کشورهای منطقه با عراق گردید چراکه متحدین شیعی و کُردش که در زمان جنگ دوشادوش سربازان ایرانی به رزم با ارتش بعث پرداخته بودند اینک زمام امور را در عراق در دست گرفته بودند. ایران همواره کوشیده‌است تا روابط خوبی با هم‌نژادان کُرد خود داشته باشد لذا به عنوان یکی از اولین کشورهای منطقه در شهر اربیل و سپس سلیمانیه سرکنسولگری خود را گشود. مسئله‌ای که به نوعی نمادی از پذیرش رسمی جایگاه گُردها از سوی جمهوری اسلامی پنداشته می‌شد. همچنین سطح مبادلات تجاری بین بازارچه‌های مرزی رو به فزونی نهاد و تعاملات و تبادلات فرهنگی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ رونق یافته و سپس مدتی به رکود رفته بود یکبار دیگر رواج یافت.

. * چشم انداز روابط ایران و کردستان عراق

مهمترین راهبرد ایران در قبال تحولات دو دهه اخیر عراق حفظ تمامیت ارضی این کشور بوده‌است. به باور ایران اگر حرکت گُردها برای افزایش اختیارات حکومت اقلیم کردستان در راستای زمینه سازی برای خودمختاری کامل و سپس استقلال از عراق تفسیر شود در نتیجه این مسئله به سردی روابط اقلیم کردستان با ایران منجر می‌شود ولی چنانچه تلاش گُردها برای افزایش اختیارات خود توأم با تلاش آنها برای حضور سازنده در دولت مرکزی عراق و در نتیجه تقویت وحدت ملی عراق شود این موضوع به گرمی روابط جمهوری اسلامی ایران با گُردهای عراق خواهد انجامید.

مسئله مهم دیگر در رابطه با کردستان عراق به استفاده از خاک این منطقه توسط گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران مانند پژاک، کومله، زحمتکشان، دمکرات ایران و غیره برمی‌گردد. مسئله‌ای که بارها منجر به بروز ناامنی در مرزها و برخی شهرهای غربی ایران شده‌است. در این حوزه نیز چنانچه گُردهای عراقی مانع استفاده از خاکشان توسط دشمنان ایران شوند در نتیجه خواهند توانست بر میزان اعتماد جمهوری اسلامی ایران افزوده و در نتیجه روابط سازنده تر و مناسبات سیاسی گرمتری را داشته باشند ولی بی توجهی آنان به این موضوع نتیجه عکس خواهد داد. همچنین اقدامات عناصر تندرو کرد جهت تشکیل به اصطلاح کشور مستقل کردستان بزرگ (چهارپارچه) از دیگر موارد نامطلوب در مناسبات دوجانبه است.

این عناصر با تحریک احساسات مردم کرد اقلیم کردستان، آرمانهای موهومی چون ملت کرد و دولت مستقل کردستان و کشور کردستان را مطرح کرده و در حال تبدیل آن به آرزوی مردم این مناطق می‌باشند. این عناصر با مطرح کردن عبارت فارس - کرد، درصد سوءاستفاده و بهره برداری سیاسی از آن بوده و تلاش می‌کنند برای خود هویتی جداگانه و مستقل بیافرینند در صورتی که نه همه مردم ایران از نژاد فارس هستند بلکه فارس‌ها نیز مانند دیگر اقوام ایرانی

یکی از اعضای خانواده بزرگ ایران زمین بوده و نه همه ساکنان اقلیم کردستان را کردها تشکیل می دهند و نه زیستگاه همه کردهای جهان، اقلیم کردستان عراق بوده است.

برخی از این عناصر با تجلیل از دولت چندروزه کمونیستی مهاباد که در سال 1946 با هدایت و پشتیبانی دولت کمونیستی اتحاد شوروی توسط قاضی محمد برپا شد و سپس با قطع حمایت شوروی، توسط حکومت وقت ایران سرکوب گردید تلاش می کنند تا افزون بر ملت سازی، فرهنگ سازی و زبان سازی، برای خود تاریخ سازی نیز نمایند در صورتی که حتی لهجه کردی زبان مستقلی نبوده و یکی از لهجه های زبانهای ایرانی آمیخته به واژگان عربی، ترکی، فارسی و ... است.

متأسفانه سیاست های تفرقه افکنانه بیگانگان بویژه غربیان که برای خود و منطقه ای که در آن زندگی می کنند نسخه ایجاد اتحادیه اروپایی و ایالات متحده و غیره می پیچند ولی در سرزمین های اسلامی و منطقه خاورمیانه بذر تفرقه و پراکندگی می افکنند تا محصول مطلوب خود را که ثروتهای طبیعی و خدادادی این مناطق است را برداشت کنند باعث طرح برخی افکار جدایی خواهانه از سوی برخی عناصر جاه طلب و فرصت طلب منطقه شده و حاصلی مگر تنش و درگیری و ناآرامی برای مردمی که هزاران سال برادرانه در کنار هم زندگی می کرده اند در پی نداشته است.

مناسبات کنونی ج.ا.ایران و اقلیم کردستان عراق

در يك دهه اخير مناسبات ج.ا.ایران و اقلیم کردستان بعنوان بخشی از حکومت عراق، در مجموع روند رو به رشدی داشته است. جمهوری اسلامی ایران در يك دهه گذشته تلاش فراوانی کرده است تا صلح و امنیت و حکومت نوین در این کشور استقرار یابد. تلاش ج.ا.ایران در این راستا حتی بیش از تلاش های گروهها و مقامات سیاسی عراقی برای حل اختلافات و بحرانهای سیاسی این کشور بوده است. دعوت از مقامات و مسئولین عراقی به ایران و میزبانی و بسترسازی برای یافتن راه حل های مسالمت آمیز و برقراری گفتگو میان گروههای گوناگون عراقی موضوعی است که بارها مقامات و مسئولین عراقی بدان اذعان کرده و از حسن نیت ج.ا.ایران در استقرار حکومت نوین در عراق و آشتی میان گروههای پراکنده عراقی گفته اند.

در واقع ج.ا.ایران تنها همسایه عراق است که هیچ چشمداشتی به هیچ ثروتی در عراق نداشته و گواه حسن نیت ج.ا.ایران این واقعیت است که هر ثروتی که عراق دارد چند برابر آن را می توان در ایران مشاهده کرد. در حالی که کشور کوچک و ثروتمند کویت از حتی يك سنت از حدود 50 میلیارد دلار خسارتي که توسط سازمان ملل به دلیل اشغال کویت توسط عراق دوران صدام تحمیل شده بود کوتاه نیامد ج.ا.ایران به دلیل اوضاع نابسامان مردم ستمدیده عراق نه تنها از پیگیری صدها میلیارد دلار خسارت ناشی از جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران خودداری کرد بلکه همواره بخشی از کمک های انساندوستانه خود را به مردم فقیر عراق صرف نظر از قوم و نژاد و مذهب آنان، اختصاص داده است .

در این راستا، اعزام مدیران، کارشناسان، کارکنان و کارآموزان و حتی دانشجویان عراقی به ج.ا.ایران برای دریافت آموزش های امور اداری، حقوقی، شهری و شهرسازی، کشاورزی، بهداشتی، درمانی، پرستاری و پزشکی، فنی، حرفه ای و مهندسی و غیره در سازمانهای

ایرانی و بصورت رایگان روندی بوده که بطور مداوم و در چهارچوب کمک های انساندوستانه ج.ا.ایران و توانمندسازی کارگزاران عراقی جهت ساماندهی بهتر اوضاع اجتماعی عراق و در راستای استقرار صلح پایدار در این کشور از سوی ج.ا.ایران ارائه شده است. شمار این اقدامات چنان است که حتی ارائه فهرستی از آنها در این گفتار ممکن نمی باشد.

از سوی دیگر اعزام گروههای تخصصی پزشکان ایرانی به بیمارستانها و مراکز درمانی سراسر عراق و درمان رایگان بیماران عراقی، اعزام گروههای فنی خدمات فنی و مهندسی ایرانی و نیز اجرای طرحهای بیشمار بازسازی عراق با هزینه پایین و کیفیت بالا و احداث کارخانه های صنعتی و تولیدی جهت ایجاد اشتغال برای جوانان عراق و تامین نیازهای این کشور به کالاهای صنعتی جهت بهره برداری در روند بازسازی آن، تنها بخشی از خدمات هدیه داده شده از سوی جمهوری اسلامی ایران به مردم و دولت نوین عراق بوده است .

افزون بر ریشه های مشترک فرهنگی ژرف میان دو ملت برادر ایران و عراق که تنها مرزهای سیاسی آنان را از یکدیگر جدا کرده است ج.ا.ایران بر این باور است که استقرار صلح و آرامش پیرامون مرزهای خود و برخورداری از همسایگان توانمند، پیشرفته و مترقی می تواند تاثیر ارزشمندی بر زندگی مردم در ایران داشته باشد. به همین دلیل است که پیشرفت و ترقی کشورهای همسایه و از جمله عراق را پیشرفت خود دانسته و تلاش می کند تا همسایگان خود را در راه توانمندسازی برای توسعه ملی آنان یاری کند. این سیاست سازنده ج.ا.ایران در قبال همسایگان شرقی آن نیز قابل مشاهده است.

به همین دلیل است که کشور عراق آرامترین مرزها را با ج.ا.ایران داشته و مبادلات اقتصادی و بازرگانی و رفت و آمدهای زیارت کنندگان و گردشگران دو کشور در مرزهای مشترک با ج.ا.ایران رونق فراوانی دارد. همه روزه صدها خودرو حامل بار و مسافر از مرزهای حاج عمران، باشماق و پرویز خان رفت و آمد داشته و جنب و جوش مردمی زیادی جهت انجام امور بازرگانی و گردشگری در این مرزها دیده می شود. این درحالی است که مرزهای غربی و جنوبی عراق دستخوش فعالیت های تروریستی و گذرگاه تندروان مذهبی و اسلامگرایان افراطی شده است.

پیوندهای ایجاد شده میان مرزنشینان که البته از صدها سال پیش نیز وجود داشته ولی در دوره حاکمیت حزب بعث عراق آسیب فراوانی دیده بود دوباره بازسازی شده و رونق دوچندانی یافته است به گونه ای که چنانچه اگر به دلایل مختلف حتی یک روز مبادی ورودی مذکور بسته شود مشکلات فراوانی برای مرزنشینان و ساکنین استانهای مرزی دو طرف ایجاد می شود. به هر روی، نگاه انسانی، اسلامی و برادرانه ج.ا.ایران به ساکنین مناطق مذکور و کل مردم مسلمان عراق، بستر مناسبی برای تعامل مردم دو سوی مرزها ایجاد کرده است به گونه ای که ساکنین محلی، رفت و آمد به این سو و آن سوی مرز را رفت و آمد به دو کشور خارجی ندانسته و خود را در هر دو سوی مرز بیگانه نمی دانند.

در سالهای اخیر تلاش زیادی انجام پذیرفته است تا تاسیسات رفاهی و تسهیلاتی برای مسافری از مبادی ورودی و خروجی میان ایران و عراق مانند ایجاد شعبه بانکها، ادارات گمرک و کارگزاریهای ترخیص کالا، پایانه های مسافری و سالن های غذاخوری ایجاد شود و از موانع اداری و قانونی موجود بر سر راه مسافران دو طرف کاسته گردد. در این راستا ج.ا.ایران امیدوار است که بتواند در سالهای آینده با جلب موافقت مقامات عراقی، نسبت به تسهیل در رفت و آمد شهروندان دو طرف برای مسافرت میان دو کشور اقدام کند .

.....

[1] در دهم اوت 1920 برای مجازات امپراتوری عثمانی که در جنگ جهانی نخست در کنار آلمان و امپراتوری اتریش - مجارستان وارد جنگ شده بود میان کشورهای پیروز در جنگ جهانی نخست (روسیه، بریتانیا و فرانسه) و امپراتوری عثمانی بسته شد.

[2] تالوگ (به آلمانی (Talweg) یا ژرفگاه یا خط القعر در دانش جغرافیا خطی است که از به هم پیوستن ژرفترین نقاط بستر یک روزخانه با دره بدست می آید. از اصل تالوگ در حقوق بین الملل برای تعیین مرز دقیق دو کشور در زمانی که رودخانه ای مرز دو کشور باشد استفاده می شود. (جعفری، عباس، فرهنگ بزرگ گیئاشناسی- اصطلاحات جغرافیایی- تهران، انتشارات گیئاشناسی، چاپ نخست، خرداد 1366)

[3] ملامصطفی بارزانی در سال 1903 در روستای بارزان کردستان عراق دنیا آمد. در 1935 پس از سرکوب جنبش استقلال کردستان، به سلیمانیه تبعید شد. در سال 1945 به فرماندهی نیروهای جمهوری مهاباد رسید. با برچیده شدن جمهوری کمونیستی مهاباد، در سال 1946 وی به رهبری حزب جدید دمکرات کردستان عراق برگزیده شد. در 1951 به باکو و سپس مسکو برای تحصیل رفت. در 1958 به عراق دعوت شد. وی پس از سالها مبارزه در 1979 برای معالجه به واشنگتن رفت و در همانجا مرد. از سخنان وی این است که می گوید: « یک کرد هر جا که باشد ایران را وطن خود می داند.» (روحانی، بابامردوخ، تاریخ مشاهیر کرد، ج3، امرا و خاندانها، به کوشش ماجد مردوخ روحانی، تهران، 1371ش)

[4] بمباران شیمیایی حلبچه : در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ توسط حکومت بعث عراق صورت گرفت. این بمباران بخشی از عملیات گسترده‌ای به نام عملیات انفال بود که بر ضد ساکنان مناطق کردنشین عراق انجام گرفت. در پی عملیات والفجر ۱۰ توسط ایران و تصرف بخش‌هایی از کردستان عراق در اواخر سال ۱۳۶۶ که منجر به استقبال مردم این مناطق از نیروهای ایرانی شد، صدام حسین دستور بمباران شیمیایی این مناطق را داد. در پی این حمله حدود پنج هزار تن از مردم حلبچه که غیر نظامی بودند کشته شدند. (سند شماره 193559 مورخ 1366/12/28 آرشیو مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، فصلنامه نگین، ش.2)

[5] از دوم اوت 1990 تا 11 اکتبر 1991 شورای امنیت سازمان ملل 23 قطعنامه علیه عراق صادر کرد که در تاریخ آن سازمان بی سابقه بوده است. قطعنامه های 687،670،665،661 از این جمله می باشند.

[لینک خیر](#)